

شناسایی و ارزیابی شاخص‌های کیفیت فضاهای فرهنگی - اجتماعی (مطالعه موردی: کلانشهر اصفهان)

دکتر ملیحه ایزدی

دکتر جمال محمدی

تاریخ پذیرش: 95/07/44

تاریخ دریافت: 1394/12/25

چکیده :

فضاهای فرهنگی-اجتماعی در تعاملات اجتماعی و ارتقاء فرهنگ شهروندی نقش مؤثری دارد. لذا توجه به کیفیت فضاهای فرهنگی-اجتماعی شهر در راستای دستیابی به توسعه فرهنگی با توجه به دارا بودن وجهه اجتماعی- فرهنگی و تقویت روح اجتماعی شده و شهرگرایی ضرورتی اساسی است. از این رو ارتقاء کیفی این دسته فضاها بیش از سایر انواع فضاها موجب ایجاد جامعه شهری سالم و شکوفا خواهد شد. هدف از پژوهش حاضر، شناسایی و ارزیابی شاخص‌های کیفیت فضاهای فرهنگی-اجتماعی کلانشهر اصفهان است. روش این پژوهش بر اساس هدف کاربردی و بر اساس ماهیت توصیفی- تحلیلی می باشد. جامعه آماری پژوهش را 75 نفر از مدیران و متخصصان در زمینه مزبور را شامل می شود که با استفاده از پرسشنامه شاخص‌ها شناسایی و امتیاز بندی شده است. با استفاده از روش تحلیل عاملی، 4 عامل مؤثر مشخص گردید که این عوامل جمعاً 91/18 درصد از واریانس را تبیین و محاسبه می نمایند. نتایج مستخرج از این تحلیل نشان می دهد که عامل کالبدی با درصد واریانس 65/44 اولویت اصلی و عملکرد اجتماعی با 12/33 درصد از واریانس، اقتصادی با 8/37 و زیست محیطی با میانگین وزنی 5/02 درصد از واریانس به ترتیب تأثیر گذارترین عوامل بر کیفیت فضاهای فرهنگی می باشد.

واژه های کلیدی: فضا، فضاهای فرهنگی، شاخص‌های کیفیت، تحلیل عاملی، تحلیل سلسله مراتبی، کلانشهر اصفهان.

دکترای برنامه ریزی شهری، دانشگاه اصفهان، مدرس دانشگاه izadim90@yahoo.com

* عضو هیات علمی گروه جغرافیا دانشگاه اصفهان

1- مقدمه

رفتار انسان در شهر، وابسته به میزان درک و شناخت او نسبت به محیط است. پدیده ادراک، فرآیندی ذهنی است که در طی آن تجارب حسی، معنی دار می شود و از این طریق، انسان روابط امور و معانی اشیا را در می یابد (ایروانی و خداپناه، 25:1371). هنگامی که انسان سعی می کند فضای شهری را درک کرده، با آن تعامل کند و راه خود در آن بیابد؛ در حقیقت به این معناست که ذهن وی تلاش می کند تصویری روشن، به هم پیوسته و منسجم از کل شهر تهیه کند. یکی از عوامل شکل دهنده ی این تصویر، فضاهای فرهنگی هستند (بنتلی، 115:1385). بناها، فضا های فرهنگی، عرصه های اجتماعی و در حالت کلی، هر عنصری که به طرز مطلوبی شاخص باشد و بستر مناسبی را برای شکل گیری رویدادهای جمعی و ثبت خاطره های جمعی شهروندان فراهم آورد؛ در شهرهای گذشته، ابنیه و فضا هایی همچون بازار، گره ها و پاتوق ها، به عنوان تفرجگاه های فرهنگی، نقشی همچون نشانه های شهری داشتند و با کمکی که به شکل گیری تصویر ذهنی دقیق و روشنی از شهر می کردند؛ موجب افزایش خوانایی و شکل بخشی به هویت کالبدی فضای شهری می شدند. لذا فضاهای جمعی در طول زمان، هم در ساختار و ابعاد فیزیکی و هم در ابعاد هویتی و غیر فیزیکی شان تغییر یافته اند (ترکاشوند و مجیدی، 1522: 6-7). در این راستا، بهبود کیفیت فضاهای شهری و توجه به سلامت روحی- روانی شهروندان و در نهایت تقویت تعلقات مکانی در عصر تکنولوژی و صنعت امری مهم و ضروری می باشد.

زندگی شهری یکی از نشانه های بارز نفوذ مدرنیته به زندگی جوامع بشری است و تعلق داشتن به جمع و حضور در فضاهای اجتماعی یکی از نیازهای زندگی انسان امروز است. در جوامع گوناگون استفاده از فضاهای عمومی شهر برای افراد جامعه برحسب متغیرهایی چون سن، جنس، گروههای اجتماعی، اقلیتهای قومی و نژادی و ... متفاوت است و این عوامل بر میزان و نحوه حضور در فضاهای عمومی شهر تأثیرگذار هستند (فکوهی و اوحدی، 5931391). بنابر آنچه که بیان شد، ضرورت توجه به فضاهای فرهنگی- اجتماعی شهری به علت وجود کارکرد های همه جانبه ی آن در ابعاد متفاوت اجتماعی (به عنوان بستر تعاملات اجتماعی شهروندان)، سیاسی و توسعه دموکراسی (به عنوان بستری برای تعامل و تفاهم میان حاکمان و شهروندان (قاسمی 9931393)) و همچنین به عنوان مکانهایی سالم برای گذران اوقات فراغت شهروندان می باشد. علاوه بر این فضاهای عمومی از طریق افزایش توریست و سرمایه گذاری اقتصادی، کمک وسیعی در ایجاد سلامتی و بهبود کیفیت زندگی شهرها می نماید. این فضاها در تعیین هویت شهر و ارتقا فرهنگ شهروندان نقش فراوانی دارند (جعفری، زهتابیان 131395). بنابراین توسعه فضاهای فرهنگی سبب ایجاد زمینه بروز و ظهور تنوع اندیشه و نیازهای متعدد در میان شهروندان و مسئولان خواهد شد. از جهتی با توجه به تغییرات منطقه ای، روند توسعه

شهری و ایجاد زمینه مشارکت گروه های متعدد با سلايق مختلف اجتناب ناپذير خواهد بود. در اين ميان برنامه ريزی خوب يکی از شروط لازم و کافی برای پيشبرد برنامه های توسعه شهری است. با توجه به اين واقعيت که اساساً فضای شهری پديده ای چند وجهی، پيچيده و متنوع هستند. يکی از مهمترين فضاها، فضاهاى فرهنگى و اجتماعى است. لذا، در اين پژوهش به بررسى، شناسايى و اولويت بندى شاخص های مؤثر در کيفيت فضاهاى فرهنگى- اجتماعى با استفاده از فرآيند سلسله مراتبى و تحليل عاملی اکتشافی پرداخته شده است.

2- پيشينه پژوهش

- پيرکينى و ديگران (۲۰۰۶)، به موضوع فعاليت مراکز فرهنگى و جايگاه آن در زندگى اجتماعى پرداخته اند. هدف از اين پژوهش کشف اهميت مراکز فرهنگى در سازماندهى مراکز اوقات فراغت جامعه و امکان تشخيص عملکرد مراکز فرهنگى در جامعه می باشد. نتايج تحقيق حاکی از آن است که ۳۷ درصد معتقد بودند که سازمان های فرهنگى به حد کافی وجود ندارد اما خدمات آن ها تا حدودی منطبق به نیازهای ساکنين می باشد (Perkumien, 2006).

- بونايتو (۲۰۰۶)، در پژوهشى تحت عنوان «سنجش ادراک ساکنين هفت محله مسكونی شهر رم از کيفيت محيط سکونت خود» نشان می دهد که، افراد زمانى از تراکم و حجم بناهايشان بيش تر احساس رضائيت می کنند که اين بناها از لحاظ زيبايی شناختی دارای کيفيت مطلوب نيز باشند (Bonauit, 2006:76).

- سعیدی رضوانی (۱۳۷۸)، در پژوهشى با عنوان " شهرداری ها و اوقات فراغت شهروندان " به بررسى شیوه گذران اوقات فراغت شهروندان در شهرهای اهواز، هفتگل ، اصفهان و چادگان و مشهد، نهبنندان پرداخت. فضاهاى فرهنگى و تفریحی مطلوب از نظر پاسخگویان به اين شرح عنوان شد: پارک وسيع ۴۱.۷ درصد، پارک محله ای ۳۸/۳ درصد، سينما ۳۶/۷ درصد، ميدان ورزشی ۲۸/۳ درصد، شهر بازی ۲۶/۷ درصد، کتابخانه ۲۶/۷ درصد، فرهنگسرا ۲۵ درصد، استخر شنا ۱۸/۳ درصد، آموزشگاه هنرى ۱۸/۳ درصد و...، برخی از فضاها مانند سالن تئاتر و مرکز بازی های کامپيوترى مورد استقبال مردم نيستند.

- بهروان (۱۳۸۵)، در تحقيقاتى با عنوان آمایش فرهنگى و عدالت شهری در مناطق دوازده گانه شهرداری مشهد به بررسى وضعيت توزيع امکانات و خدمات فرهنگى در مناطق شهر مشهد پرداخته است. در اين پژوهش امکانات فرهنگى ارائه شده شامل اين موارد است که از روش سنجش نیازهای فرهنگى شهروندان، ميزان نیاز به اين امکانات به دست می آید: مساجد و حسينيه ها، کتابفروشى ها ، کتابخانه ها ، روزنامه فروشى ها ، فروشگاه عرضه محصولات فرهنگى و مرکز بازيبهائى رایانه ای، پارک ها و فضاهاى سبز، مکان های ورزشی. سهم متوسط

¹.Bonauit

هر منطقه از هر یک از امکانات فرهنگی معادل ۰/۰۸۳ درصد است که به این ترتیب می توان مناطق را بر حسب متوسط شهر مشهد به ۳ دسته تقسیم کرد: دسته اول مناطقی که کمتر از حد متوسط فوق برخوردارند (مناطق محروم)، دسته دوم مناطقی که معادل حد متوسط برخوردارند (مناطق نسبتاً برخوردار) و دسته سوم مناطقی که بالاتر از حد متوسط برخوردارند (مناطق برخوردار).

خاکپور (۱۳۸۵)، در پژوهشی با عنوان «سنجش سطح برخورداری مناطق شهر مشهد از نظر امکانات و خدمات فرهنگی با استفاده از مدل موریس» به بررسی نیاز شهروندان در سطح مناطق شهرداری مشهد به امکانات و خدمات فرهنگی پرداخته است. براساس نتایج پژوهش حدود ۱۶/۷ درصد مناطق (شامل مناطق ۱ و ۸) خیلی است. برخوردار، ۱۶/۶ درصد مناطق (شامل مناطق ۱۰ و ۱۲) تا حدودی برخوردار، حدود ۲۵ درصد مناطق (شامل مناطق ۳، ۷، ۲) محروم و ۲۵ درصد مناطق شهری (شامل مناطق ۴، ۵ و ۶) خیلی محروم بوده اند. (مرادی و همکاران، ۱۳۸۵)

سرخ کمال و همکاران (۱۳۹۰)، در پژوهشی تحت عنوان سطح بندی شهرستان های استان خراسان رضوی از لحاظ مؤلفه های توسعه یافتگی فرهنگی پرداخته است. وی با استفاده از مدل تاپسیس به سطح بندی و تعیین میزان نابرابری موجود از لحاظ توسعه فرهنگی، میان شهرستان های استان پرداخت که نتایج این پژوهش حاکی از آن است که شهرستانهای گناباد، رتبه اول و شهرستان های درگز و بردسکن به ترتیب رتبه های دوم تا سوم را کسب نموده اند. لذا توجه به برنامه ریزی فضایی، مطالعه شهرستان ها از لحاظ سطح توسعه یافتگی فرهنگی و شناسایی نقاط سکونتگاهی محروم برای برنامه ریزی اصولی و ارائه راهبردهایی صحیح و اجرایی اجتناب ناپذیر است.

ایزدی و همکاران (۱۳۹۵)، در مقاله ای تحت عنوان «واکاوی مطلوبیت فضاهای عمومی شهری از دیدگاه زنان مطالعه ی موردی: منطقه ۴ شهر اصفهان» با استفاده از روش تحلیل عاملی تعداد 5 عامل از 27 شاخص انتخابی استخراج گردید که همگی دارای مقادیر ویژه بالای 1 بوده و جمعاً 68/50 درصد از واریانس را تبیین می کنند. با توجه به نتایج به دست آمده می توان گفت که مؤلفه های امنیت محیطی، ایمنی، پاکیزگی محیط، حس تعلق و وابستگی به مکان و زیبایی فضا مؤثرترین عوامل در میزان رضایت مندی در فضاهای عمومی شهر از دیدگاه زنان می باشد و به عنوان مهمترین عوامل تأثیرگذار بر رضایت مندی شهروندان شناسایی شدند.

پژوهش حاضر برخلاف سایر پژوهش ها که تنها به صورت کلی به شاخص های فضاهای عمومی می پردازند و همچنین اکثر پژوهش ها در زمینه ی فضاهای عمومی توصیفی، تشریحی بوده و کمتر در بعد شاخص های کمی انجام شده است، به بررسی و تحلیل شاخص های کیفی در زمینه فضاهای فرهنگی-اجتماعی اختصاص دارد به طوری که در پژوهش حاضر ابتدا به

شناسایی شاخص های کیفیت فضاهای فرهنگی-اجتماعی از نظر صاحب نظران و کارشناسان پرداخته و سپس شاخص های مورد مطالعه تجزیه و تحلیل شده است. هدف اصلی این پژوهش، بررسی و شناسایی شاخص های کیفیت فضاهای فرهنگی-اجتماعی کلانشهر اصفهان است که براساس فروض زیر انجام شده است. به نظر می رسد در کیفیت فضاهای فرهنگی-اجتماعی عامل کالبدی مؤثر می باشد؛ به نظر می رسد توجه به عامل زیست محیطی در کیفیت فضاهای فرهنگی-اجتماعی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

3- روش پژوهش

روش این پژوهش بر مبنای هدف کاربردی و بر اساس ماهیت توصیفی-تحلیلی است و جامعه آماری تعدادی از متخصصان و کارشناسان شهرسازی، فرهنگی و اساتید مربوطه می باشد. جامعه آماری پژوهش را 75 نفر از مدیران و متخصصان در زمینه مزبور را شامل می شود که با استفاده از پرسشنامه شاخص ها استنتاج و امتیاز بندی شده است. پرسشنامه به روش تحلیل سلسله مراتبی تهیه شد و از متخصصان خواسته شد تا به شاخص ها امتیاز داده و ارجحیت هرکدام را مشخص سازند.

- شناسایی شاخص های مورد مطالعه

با توجه به مؤلفه های مورد بررسی در پژوهش حاضر، همان طور که بیان شد، شناسایی و امتیاز بندی شاخص ها از طریق روش سلسله مراتبی انجام پذیرفت و سپس با بهره گیری از روش تحلیل عاملی اکتشافی به تجزیه و تحلیل شاخص های استنتاج شده پرداخته شده است. که در ذیل 26 شاخص های مورد مطالعه ارائه شده است.

جدول شماره(1) شاخص های مؤثر در کیفیت فضاهای فرهنگی-اجتماعی

ردیف	شاخص	ردیف	شاخص
1	متناسب با نیاز شهروندان	14	ایمنی
2	عدالت	15	زیبایی و سرزندگی
3	وضعیت اجتماعی-جمعیتی محله	16	دسترسی
4	هویت	17	کارایی انرژی
5	مشارکت	18	پاکیزگی
6	احساس تعلق	19	آسایش و راحتی
7	امنیت	20	جذابیت های طبیعی مکان
8	اوقات فراغت	21	شرایط محیطی و بهداشتی
9	کارایی	22	میزان سرمایه گذاری
10	تنوع	23	درآمد
11	سازگاری	24	اشتغال
10	مقیاس انسانی	25	هزینه

13	خوانایی-یکپارچگی	26	بودجه فرهنگی
----	------------------	----	--------------

مأخذ: یافته های پژوهش

- تعیین ضریب اهمیت شاخص ها

در این مرحله نیاز است که با استفاده از روش مقایسه ای توماس ال ساعتی که در ذیل جدول آن ارائه شده مقایسه زوجی میان شاخص ها انجام پذیرد تا بتوان اهمیت و ارزش شاخص هارا اولویت بندی کرد.

جدول شماره (2) ضرایب اهمیت

امتیاز	تعریف	توضیح
1	اهمیت مساوی	در تحقق هدف دو معیار اهمیت مساوی دارند.
3	اهمیت اندکی بیشتر	تجربه نشان می دهد که برای تحقق هدف، اهمیت I بیشتر از J است.
5	اهمیت بیشتر	تجربه نشان می دهد که برای تحقق هدف، اهمیت I خیلی بیشتر از J است.
7	اهمیت خیلی بیشتر	تجربه نشان می دهد که برای تحقق هدف، اهمیت I بیشتر از J است.
9	اهمیت مطلق	اهمیت خیلی بیشتر I نسبت به J به طور قطعی به اثبات رسیده است.
2،4،6 و 8	رجیحات بین فواصل فوق	هنگامی که حالت های میانه وجود دارد.

(منبع: Al Subhi & Al Harbi, 2001)

در این مرحله در ارتباط با هدف پژوهش، هریک از معیاره و زیر معیارها مورد سنجش قرار گرفت و برتری هر یک از معیارها و زیرمعیارها نسبت به یکدیگر مشخص گردید. لازم به ذکر است که در تمامی مراحل وزن همان روش مقایسه ای توماس ال ساعتی استفاده شده است. به عبارتی با استفاده از روش مقایسه ای توماس ال ساعتی، مقایسه زوجی میان معیارها توسط کارشناسان خبره انجام گرفته است و از آنها میانگین هندسی گرفته شد، در این پژوهش با توجه به این که ضریب ناسازگاری در قضاوت های انجام شده در رابطه با معیارهای کوچکتر از 0/1 (ضریب ناسازگاری=0/01) می باشد سازگاری در قضاوت ها مورد قبول است.

- تعیین امتیاز نهایی: در واقع امتیاز نهایی برای هر شاخص تعیین گردیده است.
- بررسی سازگاری در وزن دهی: در این مرحله نیاز است تا میزان سازگاری یا ناسازگاری در قضاوت های انجام شده و در واقع وزن هایی که به معیارها و زیر معیارها داده شد مورد ارزیابی قرار گیرد. در صورتی که این ضریب کوچکتر یا مساوی 0/1 باشد، سازگاری در قضاوت ها مورد قبول است و در غیر این صورت باید در قضاوت ها تجدید نظر شود و وزن دهی مجدداً انجام گیرد (معصومی اشکوری، 1387: 137-133).
- مقایسه زوجی معیارها: زبردست به نقل از ساعتی بیان می کند: مکانیزمی که ساعتی (1888) برای بررسی ناسازگاری در قضاوت ها در نظر گرفته است، محاسبه

ضریبی به نام ضریب ناسازگاری است که از تقسیم شاخص ناسازگاری به شاخص تصادف بودن حاصل می شود. چنانچه این ضریب کوچکتر یا مساوی 0/1 باشد، سازگاری در قضاوت ها مورد قبول است و گر نه باید در قضاوت ها تجدید نظر شود. به عبارت دیگر ماتریس دودوئی معیارها باید مجدداً تشکیلشود (زبردست 1831380).

- فرآیند تحلیل سلسله مراتبی¹

اساس روش AHP، نمایش سلسله مراتبی است که به حل مسائل پیچیده از طریق فرآیندهای ساده کمک می کند. این امر مستلزم این می باشد که معیارها به سطوح یکنواختی تجزیه شده باشد (Mepal et al, 2010, 2). این روش اکثراً برای تصمیم گیری در آنالیزهای عملیاتی و با ریسک بالا، جهت ارزیابی طرح های جایگزین و در سطح کوچکتر جهت ارزیابی اثرات محیطی به کار برده می شود (Sonles, 2003: 295). به عبارتی یک روش ارزیابی چند معیاره ریاضی در فرآیند تصمیم سازی است که معیارهای کمی و کیفی را در تصمیم گیری ترکیب می کند و مقایسه منطقی به منظور اندازه گیری اهمیت نسبی عناصر در هر سطح سلسله مراتبی و ارزیابی گزینه ها در پایین ترین سطح سلسله مراتب، به منظور انتخاب بهترین تصمیم در بین معیارهای چندگانه را ارائه می دهد (Sipahi & Timor, 2010: 775). در ارزیابی هر موضوعی ما نیاز به معیار اندازه گیری یا شاخص داریم. انتخاب شاخص های مناسب، به ما امکان می دهد که مقایسه درستی بین جایگزین ها یا آلترناتیوها بدست آوریم (Zhijun et al, 2009: 465).

- تحلیل عاملی اکتشافی

تحلیل عاملی، نوعی تکنیک آماری چند متغییره است که هدف اصلی آن خلاصه کردن داده ها و متغییرها است (کلانتری 7331388). با به کار گیری تحلیل عاملی می توان متغیرهایی را که به یکدیگر مرتبط هستند در قالب شاخص هایی که ابعاد اساسی ویژه ای را توصیف می کنند یا پدیده های ساختاری اساسی که شرایط مطالعه را منعکس می کنند، توصیف کرده و تعداد آن ها را کاهش داد. در تحلیل عاملی استدلال بر این است که هرگاه تعدادی از متغیرها موضوع مورد بررسی همبستگی داشته باشند، با یکدیگر نیز همبستگی دارند. اگر همبستگی بین متغیرها کم باشد، به نظر می رسد که آنها در عوامل سهیم باشند (Mardia et al, 1982: 112).

- روایی و پایایی تحقیق

در این پژوهش جهت مطالعه اعتبار یا روایی از اعتبار سازه و صوری استفاده شده است. بدین طریق که پس از تهیه و تنظیم پرسشنامه مستخرج از روش کیفی، آن را به اساتید و

¹- Analytic Hierarchical Process(AHP)

صاحب‌نظران روش تحقیق نشان داده و نهایتاً با توجه به اظهار نظر آنها به رفع ایراد پرسشنامه اقدام شده است.

یکی از روش های محاسبه پایایی استفاده از فرمول کرونباخ است. این روش برای هماهنگی درونی ابزار اندازه‌گیری از جمله پرسشنامه و یا آزمون هایی که خصیصه‌های مختلف را اندازه‌گیری می کنند، به کار می‌رود (سرمد و دیگران، 1380: 169). و دامنه آن از 0 تا 1 در نوسان است (دواس، 1381: 253). برای مطالعه پایایی متغیرهای مورد مطالعه، از ضرایب آلفای کرونباخ استفاده شده است.

جدول (3) ضریب آلفای کرونباخ مقیاس ها در پرسشنامه

ابعاد	متغیرها	تعداد گویه ها	ضریب روایی
کالبدی	تنوع	7	0/909
	سازگاری		
	مقیاس انسانی		
	خوانایی-یکپارچگی		
	ایمنی		
	زیبایی و سرزندگی		
	دسترسی		
اجتماعی	متناسب با نیاز شهروندان	9	0/878
	عدالت		
	وضعیت اجتماعی-جمعیتی محله		
	هویت		
	مشارکت		
	احساس تعلق		
	امنیت		
	اوقات فراغت		
کارایی			
اقتصادی	میزان سرمایه گذاری	5	0/710
	درآمد		
	اشتغال		
	هزینه		
	بودجه فرهنگی		
زیست محیطی	کارایی انرژی	5	0/652
	پاکیزگی		

		آسایش و راحتی
		جذابیت های طبیعی مکان
		شرایط محیطی و بهداشتی

مأخذ: تحلیل داده ها

4- مفاهیم نظری پژوهش

- فضا و فضای فرهنگی:

در رویکردی انسان شناختی به مفهوم "فضا" اندیشه های «هانری لوفبور» از جایگاه ویژه برخوردار می باشد، وی فضا را یک تمامیت تاریخی و یک تولید اجتماعی دانسته که از یکسو تجربه حافظه تاریخی انسانها و از سوی دیگر تجربه زندگی روزمره آنها را شکل می دهد. راپوپورت نیز مبنای رویکرد انسان شناختی به فضا را بر درک فضا به عنوان مجموعه هایی پویا از صحنه ها می داند. "صحنه" به نظر او محدوده ای از فضا است که نظامی از فعالیتها را درون خود جای می دهد به صورتی که رفتارها با محیط درون آن فضا روابطی قابل انتظار به وجود آورند بنابراین هر صحنه را می توان مکانی با فعالیت ویژه دانست (فکوهی، 1383: 8363). به عقیده جیوردانبرونو فضا از طریق آنچه در آن قرار دارد درک می شود و به فضای پیرامون یا فضای مابین تبدیل می گردد (گروت، 1863: 1386).

هابرماس در نظریه «الگوی ارتباطی حوزه عمومی» اصطلاح حوزه عمومی را برای اطلاق بر عرصه ای اجتماعی به کار می برد که در آن افراد از طریق مفاهیم و استدلال مبتنی بر تعقل و در شرایطی برابر و به دور از هرگونه فشار، مجموعه ای از رفتارها، مواضع و جهت گیری های ارزشی و هنجاری را تولید می کنند (Habermas, 1991: 31). پیر بوردیو فضای اجتماعی را بازنمودی انتزاعی از قالبی می داند که شیوه های زندگی در ارتباط با فضای زندگی روزمره در آن شکل می گیرد. رابطه ای دوسویه میان دو نوع قابلیت تعیین کننده رفتار به وجود می آید: قابلیت تولید اعمال از یکسو و قابلیت ارزیابی این اعمال از سوی دیگر. افراد برای انجام کارهایشان نیاز به مفاهیمی دارند تا به ساختارهای نظری و عملی جامعه نظم بخشند. این مفاهیم و الگوها را نظام اجتماعی برای مردم می سازد (فکوهی و اوحدی، 1381: 683).

شهر برای لوفبور حاوی سه مفهوم مرتبط است: فضا، زندگی روزمره و بازتولید روابط اجتماعی سرمایه داری. شهر زمینه فضایی عام است که از طریق آن روابط تولید در تجربه روزمره مردم بازتولید می شود (افروغ، 1366: 31-32). فضای اجتماعی در نظر لوفبور، آن چیزی است که در بطن تجربه انسان ها در زندگی روزمره و فرهنگ حاکم بر آن شکل می

گیرد (Lefebvre, 1993:156). به بیانی، می توان گفت لفتور با تفکیک فضای اجتماعی و فضای فیزیکی نقش فرهنگ و شیوه زندگی انسان ها را در این مفهوم بسیار پررنگ کرده و از همین زاویه شهر را به عنوان یک فضا در ابعاد مختلف مورد واکاوی و تحلیل قرار می دهد. شهر دیگر تنها فضایی برای سکونت نیست، بلکه به تعبیر لفتور، بازتابی از جامعه و روابط اجتماعی است که روی زمین به تصویر کشیده شده است (Merrifield, 2006:108-111).

عرصه فرهنگی فضایی مناسب برای بروز خلاقیتها، انتخابها، کنشها و تبادل سرمایه ها برحسب ویژگی های میدان و عادت واره هایی است که بورديو از آن ها نام می برد. اینکه فضای عمومی تا چه حد به کنشگران اجازه فعالیت و ابداع زندگی روزمره می دهد، بحثی است که از تلفیق نگاه های ضد سرمایه داری لفتور و هابرماس در عرصه کنش انسان ها می توان دریافت. حق انتخاب اشکال هویت ساز، نوع اوقات فراغت، فضاهای مناسب برای حضور در سطح جامعه، نحوه برقراری ارتباط با فضاهای جمعی و... مسائلی است که سعی می شود، مورد بررسی قرار گیرد. مشاهدات فضاهای خلق شده در شهر حاکی از آن است که لزوماً توجه به کالبد و شکل بدون توجه به محتوی عملکرد مورد نظر، افراد ذینفع، نحوه تعاملات اجتماعی در آنها و از همه مهمتر نیازهای انسانی در آنها، فضای مطلوبی ایجاد نمی کند.

- اصول و مؤلفه ها در طراحی کیفیت فضاهای فرهنگی-اجتماعی

فضاهای فرهنگی در ارتقای سطح دانش اجتماعی و شکوفایی استعدادهای افراد یک جامعه سهم بسزایی دارند. پرداختن به فضاهای فرهنگی در شهر به عنوان یکی از تسهیلات شهری، سبب اصلاح محیط اجتماعی شهروندان می شود. در واقع، باید به برنامه ریزی و طراحی کالبدی محله های مسکونی توجه شود و محیطی سالم برای ارتقای سطح تعلیم و تربیت و بسط پیوندهای اجتماعی و رفع نارسایی ها فراهم آید (شیعه، 1380:1813).

روپارویی فرد با محیط را غالباً می توان با توسل به واژگان انتخابی راجر بارکر و همکارانش در دانشگاه کانزاس در قالب تشریح امروزی روان شناسی محیطی توصیف کرد. وی از موقعیت رفتار برای نام گذاری محیطی که رویداد در آن رخ می دهد، الگوی ثابت رفتار برای شیوه های معمول عمل کردن فرد و بومگاه به عنوان اشیای مادی یک موقعیت رفتار و چارچوب زمانی که در آن رویدادی اتفاق می افتد استفاده نمود. محیط ساخته شده همواره دارای تأثیر خودآگاه یا ناخودآگاه بر اندوخته های ذهنی و ادراکی ما از فضای پیرامونمان می باشد. این تأثیر ناشی از معانی انتقال یافته از محیط و عناصر معماری و روابط میان آن ها است. همچنین باید این گونه

بیان نمود که کیفیت عناصر محیطی نیز در تعامل با گروه های استفاده کنندگان معانی متفاوتی را نیز خواهند داشت. همچنین، باید توجه نمود که پاسخگویی فضا به نیازهای فیزیولوژیکی و روانشناختی مختص به گروه های خاصی از مخاطبین فضاهای معماری و شهری نبوده و توفیق هر فضایی برای سرزندگی و پایداری جلب مخاطبینی همه شمول با رفع نیازهایشان از نظر کیفیت های محیطی در عین تأمین نیازهای کارکردی و رفتاری عملکردهای کلی و جزئی فضا یا بنای معماریست. به عبارت دیگر یک فضای شهری در مقام یک فضای فرهنگی علی رغم توجه به وجوه نیازهای فرهنگی چه در کیفیت فضاها در رفع نیازهای فنی و عملکردی خاصشان و چه در معرفی خود به عنوان فرآورده های فرهنگی بایستی علاوه بر مناسب بودن کیفیتش برای مخاطبین خاصش، امکان حضور دیگر افراد و گروه های آسیب پذیر با نیازهای خاص را نیز تأمین نماید(موری تامس، 1385: 137-138).

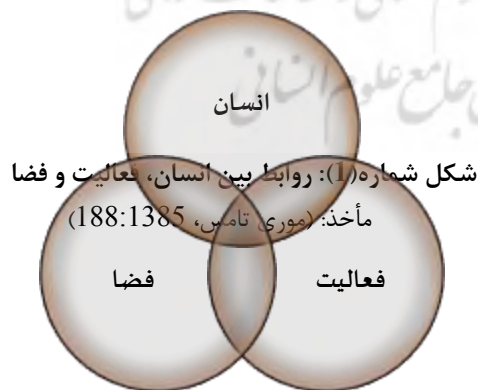
جدول شماره(4): اصول و مؤلفه های طراحی فضاهای فرهنگی-اجتماعی

ردیف	اصول و مؤلفه ها
1	رعایت فاصله مطلوب جهت تسهیل ارتباط بصری و در نظر گرفتن مکان طراحی در دورترین فاصله با مکان های مولد صدا
2	خیال انگیزی و برانگیختن حس کنجکاوی، استفاده از تصاویر انگیزشی و خیال برانگیز جهت تقویت خلاقیت و استعداد شهروندان
3	تأمین ایمنی و امنیت به منظور آرامش برای استفاده کنندگان
4	مکانیابی مناسب این فضاها و همجواری با کاربری های سازگار
5	مشخص نمودن قلمرو فضاهای فرهنگی با تعیین کارکرد آموزشی و تفریح
6	آرام سازی فضاهای فرهنگی طراحی شده با استفاده از طراحی فضاهای سبز
7	سادگی در فرم و نحوه انتقال پیام، حذف جزئیات و عوامل غیر ضروری
8	واقع گرایی، تناسب عناصر و بخش های مختلف تصویر با هم از نظر زمان و مکان
9	ایجاد سرزندگی و تنوع در این فضاها که سبب نشاط روحی مخاطبان در محیط های فرهنگی-اجتماعی
10	اهمیت به خوانایی در فضاهای مزبور از جمله نمادها، المان ها، هماهنگی و تضادها در فضاهای فرهنگی-اجتماعی
11	احساس مسئولیت در شهروندان جهت مشارکت در حفظ، نگهداری و ارتقاء فضاهای فرهنگی-اجتماعی
12	توجه به زیبایی و نظم کالبدی، اجتماعی-فرهنگی
13	توجه به نظریه های متخصصان در مورد استفاده کنندگان در سنین مختلف و لحاظ کردن آن ها در طراحی فضاهای فرهنگی
14	توجه به تفریحات دلخواه شهروندان برای گروه های سنی مختلف: بازی های قومی، محلی و فرهنگی
15	توجه به هویت ملی، مذهبی و فرهنگ بومی(استفاده از طرح های تاریخی، بومی، میراث فرهنگی و ملی)
16	توجه به ریخت شناسی و استانداردها در طراحی فضاها و مبلمان شهری
17	توجه به کودکان، سالمندان و معلولین جسمی و ذهنی در طراحی فضا که آن ها نیز از این فضاها

	بتوانند استفاده کنند.
18	فضاهای فرهنگی-اجتماعی متناسب با پایگاه اقتصادی -اجتماعی
19	انعطاف پذیر کردن مبلمان آموزشی، فرهنگی و تفریحی در محله جهت استفاده برای گروه های سنی مختلف با استفاده از طراحی که قابلیت تغییر ابعاد داشته باشد.
20	انعطاف پذیر کردن فضاها و مبلمان با دادن عملکرد های مختلف به آن ها.

مأخذ: یافته های نگارندگان

همچنین اهمیت هر چه بیشتر فضای شهری در تبیین محیط هایی مناسب جهت آموزش و ادراک است، چرا که فواصل زیستی و ارتباطی و طراحی آن ها می تواند خود ابزاری برای تسهیل آموزه های شهروندی و به عبارتی فرهنگ شهروندی باشد. معماری فرآیند طراحی فضاها و نظم بخشیدن به آن هاست. همان طور که در معماری می بایست به ایده، فرم، چگونه قرار گرفتن کارکردها در کنار هم توجه کد می بایست به دانش و اندیشه ای که در آن بین تأثیرگذارند هم مدنظر گرفت. فرآیندهای روان شناختی که شناخت فضایی نامیده می شوند، زمینه ای را در روان شناسی محیطی شکل می دهند که بر (الف) نحوه تفکر افراد در مورد روابط فیزیکی(مادی) محیط ها (ب)چگونگی تأثیرگذاری این تفکر بر رفتار، و (ج) علت و نحوه تحول شناخت فضایی افراد در طول زمان با بررسی پیشینه مقوله شناخت فضایی، چشم انداز گسترده ای از روابط بین افراد و محیط فیزیکی (مادی) آن ها فراروی ما قرار می گیرد تمرکز دارد. باید توجه داشت که تحلیل های شیلا ال کوهن و رابرت کوهن در خصوص نقش فعالیت ها بر شناخت از محیط و مؤلفه ها و روابط حاکم بر این فرآیند ادراکی - شناختی برپایه نقش فعالیت به عنوان متغییر اصلی در شکل گیری دانش فضایی افراد دلالت دارد. در واقع سؤال اساسی و مورد بررسی این است که چه نوع عملی در محیط به وقوع می پیوندد و چگونه آن عمل یا فعالیت بر تحول دانش فضایی تأثیر می گذارد؟ متغییرهای وابسته ی دیگری که تأثیر فعالیت را بر دانش فضایی تغییر می دهند یا تعدیل می کنند عبارتند از: متغییرهای شخصی و خصوصیات فرد، متغییرهای پایگاه اجتماعی، متغییرهای محیطی و ویژگی های موقعیتی که فرد در آن به حرکت و جنب و جوش می پردازند (موری تامس، 18731385-129).



- فضاهای فرهنگی-اجتماعی سرزنده و زیست پذیر

رییس کمیسیون معماری و محیط مصنوع انگلستان "جان روس" معتقد است باید بجای استفاده از واژه‌ی سرزندگی از واژه‌ی کیفیت زندگی استفاده نمود. وی سرزندگی را کیفیت زندگی بدان گونه که توسط مردم در فضا ادراک و تجربه می شود، تعریف می کند. زیست پذیری میزانی برای سنجش ظرفیت آن برای جذب سرمایه برای بقا، بهبود و تطابق نیازهای متغییر است.

فعالیت: سرزندگی و پویایی فضای شهری و درمقابل، ملال انگیزی آن بازتاب شمار و به خصوص نوع فعالیت ها و رویدادهایی است که در فضا صورت می پذیرد. بنابراین برای شناسایی سرزندگی ابتدا باید به بررسی فعالیت ها بپردازیم.

یان گل، فعالیتها را به لحاظ اجباری یا اختیاری بودن به سه دسته تقسیم نموده که عبارتند از: 1- فعالیت‌های ضروری(اجباری) مانند رفتن به مدرسه یا محل کار منتظر ماندن در ایستگاه اتوبوس، خرید. 2- فعالیت های انتخابی(تفریحی) مانند رفتن به پارک و به طور کلی تفریح. 3- فعالیت های اجتماعی مانند تماشا کردن دیگران، صحبت کردن، جلب توجه کردن (خستوه، رضوانی، 1399: 65-66).

چارلز لاندی(2000)، مفهوم سرزندگی را به گونه ای متفاوت بررسی نموده؛ او سرزندگی و زیست پذیری را مجزا تعریف کرده و با چهار رویکرد عمده و به شکل موضوعی به مسئله پرداخته است. او ۹ معیار مؤثر را برای شناسایی یک شهر سرزنده و زیست پذیر بر می شمارد: تراکم مفید افراد، تنوع، دسترسی، ایمنی و امنیت، هویت و تمایز، خلاقیت، ارتباط و تشریح مساعی، ظرفیت سازمانی و رقابت. او نسبت به افراد دیگر با دید جامع تری سرزندگی شهر را به شکل موضوعی بررسی کرده و به عمده عوامل مؤثر بر آن ها اشاره نموده است(خستوه، رضوانی، 1389: 65-66). مبحث ارتقاء و توسعه کیفیت فضاهای فرهنگی- اجتماعی مناسب فعال پویا و زنده به عنوان یکی از اهداف راهبردی ارتقای کیفیت محیط در محیط های متنوع شهری، همواره در صدر کار برنامه ریزان و طراحان شهری قرار داشته است. اهمیت این موضوع اساساً به جهت نقش مؤثری است که این گونه فضاها در جامعه دارند و این مهم بارها از سوی بسیاری از دست اندرکاران مسائل شهری، اجتماعی و روان شناسی مطرح شده است. با توجه به تعاریف ارائه شده در رابطه با فعالیت و سرزندگی، یک " فضای فرهنگی-اجتماعی سرزنده" عبارت است از یک فضایی که در آن حضور تعداد قابل توجهی از افراد و تنوع آن ها در (به لحاظ سن و جنس) گستره زمانی وسیعی از روز که فعالیت هایشان عمدتاً به شکل انتخابی یا اجتماعی بروز می یابد به چشم می خورد. لذا توجه به سرزندگی و زیست پذیری این فضاها پیامدهای مختلفی دارد که در جدول شماره(۵) ارائه شده است.

جدول شماره (5) توسعه کیفیت فضاهای فرهنگی - اجتماعی اصفهان با رویکرد سرزندگی و زیست پذیری

پیامد	انواع سرزندگی و زیست پذیری	مشخصات
ایجاد اشتغال توسعه کارآفرینی افزایش رقابت کاهش فشار بر مخارج دولتی افزایش مشارکت های شغلی	سرزندگی و زیست پذیری اقتصادی:	زیست پذیری: خود اکتفایی بلند مدت،
به وسیله سطوح فعالیت ها و تعاملات اجتماعی به علاوه ماهیت ارتباطات اجتماعی سنجیده می شود یک فضای فرهنگی-اجتماعی سرزنده و زیست پذیر به لحاظ اجتماعی می تواند به واسطه سطوح پایین محرومیت، پیوستگی اجتماعی قوی، ارتباطات خوب و پویایی میان لایه های اجتماعی، روحیه جمعی و غرور مدنی، دامنه وسیعی از شیوه های زندگی، روابط موزون و یک جامعه شهروندی با نشاط توصیف گردد.	سرزندگی و زیست پذیری اجتماعی:	پایداری، سازگاری، انطباق پذیر و خوداحیای
دو جنبه را در برمی گیرد: اول پایداری اکولوژیکی که در رابطه با متغیرهایی نظیر آلودگی هوا و صوت، بصری قرار دارد. جنبه دوم، طراحی است که متغیرهایی مانند خوانایی، حس مکان، تمایز معمارانه، اتصال و ارتباط بخشهای مختلف فرهنگی، کیفیت روشنایی و این که محیط فرهنگی-اجتماعی تا چه حد دوستانه، امن و به لحاظ روانشناسی نزدیک شدن است را در برمی گیرد.	سرزندگی و زیست پذیری محیطی	سرزندگی: سطوح فعالیت، استفاده و مشارکت،

<p>دربرگیرنده بقاء، احترام و تجلیل از شهروندان، هویت، خاطرات، سنت، جشنهای اجتماعی، مشارکت، تولید، توزیع و مصرف محصولات دست بشر و نشانه هایی که بیانگر ماهیت متمایز فضاهای مزبور می باشد است.</p>	<p>سرزندگی و زیست پذیری فرهنگی-اجتماعی:</p>	<p>تعاملات، ارتباطات، مبادلات و معاملات و سطوح نمایش (چگونگی) تظاهر و فعالیتها و تعاملات در جهان بیرونی</p>
--	---	---

5- یافته های پژوهش و بحث

شناسایی و ارزیابی شاخص های کیفیت فضاهای فرهنگی-اجتماعی

کیفیت فضاهای فرهنگی- اجتماعی با میزان مقاومت عناصر سازنده ی آن در مقابل فرسودگی و حفظ کارایی اجتماعی، معنا و غنای فرهنگی آن در طول زمان تعریف می شود. اگر یک فضای فرهنگی-اجتماعی بعد از سالها هم چنان به عنوان فضایی زنده در شهر مطرح باشد و مردمان بارها به دیدارش بشتابند و از دیدار آن خاطره ای به یاد ماندنی و ویژه در ذهن ایشان شکل بگیرد، می توان گفت که آن فضا به فضای فرهنگی-اجتماعی موفق تبدیل شده است.

در یک فضای فرهنگی-اجتماعی پایدار و موفق، پاسخی مناسب به تمامی نیازهای جسمی، اجتماعی و معنوی انسان داده می شود. انسان در این پهنه ها حضور می یابد تا علاوه بر برقراری ارتباط و تعامل به هم نوعان، تأمین معاش بازی و تفریح و مانند آن ها، لحظه ای به تعمق و تفکر در جهان بپردازد، تا از این رهگذر به کمال مطلوب خود دست یابد. بنابراین فضای فرهنگی-اجتماعی دلپذیر و دلخواه شهری که با احترام به شاخصه های و هویت بومی در جهت خلق فضاهایی متنوع برای مردمان شکل می گیرند، نه تنها باعث تداعی و تکرار خاطره ی حضور در این مکان ها در ذهن بازدیدکنندگان می گردند، بلکه به جلب مشارکت های مردمی در حفظ، زیبایی بهداشت و ماندگاری این پهنه ها کمک می کنند. لذا در کیفیت این فضاها می بایستی دقت لازم مبذول شود.

هر چه فضاهای فرهنگی- اجتماعی شهر از کیفیت بیشتر و بالاتری برخوردار باشد، زمینه برای انجام تعاملات اجتماعی در پی انجام فعالیت های جمعی از قبیل دیدار، گپ و گفتگو، بازی، ورزش و غیره که پیش تر اشاره شد، فراهم شده و فضاهای مذکور در نتیجه ی فعالیت های

فوق ضمن تبدیل شدن به مکان، واجد ویژگی سرزندگی و حیات مدنی می شود. مطابق یافته های این تحقیق، کیفیت محیط کالبدی برای جذب افراد وابسته به وجود فاکتورهایی است که تحقق هریک از آنها نیز در گرو عوامل متعددی می باشد که بخشی از این عوامل به ساختار کالبدی محیط مثل تنوع و سازگاری کاربری ها، ایمنی، امنیت، تراکم و ظرفیت مناسب مرتبط است. بستر کالبدی در صورت تامین این نیازها و ویژگی کیفی مورد نظر کاربران، می تواند نقش کلیدی جهت ایجاد محیطی سرزنده و جذاب ایفا نماید. برای تامین کیفیت های مورد نیاز، طراح می تواند در تعاملی دوسویه با کاربران در فرآیند برنامه ریزی و طراحی، فاکتورها و عوامل مذکور را شناسایی و، طرح را در مسیر تحقق آنها، یعنی ایجاد زمینه برای انجام فعالیت های انتخابی و اختیاری هدایت کند به عبارت دیگر، با ایجاد کیفیات لازم، حداقل شرایط برای امکان انجام این نوع فعالیت ها و در نتیجه افزایش احتمال حضور افراد در محیط به عنوان نقطه ی شروع برای فعالیتهای مذکور مثل فعالیتهای جمعی و تعاملات اجتماعی، فراهم می شود. در این راستا، در پژوهش حاضر، ابتدا هر یک از عوامل مؤثر در کیفیت فضاهای فرهنگی از نظر معیارهای ذکر شده، به طور جداگانه مورد مقایسه زوجی قرار گرفتند و وزن نسبی هر یک نسبت به این معیارها تعیین گردید. سپس معیارها و زیر معیارها مورد سنجش قرار گرفتند و وزن هر معیار بر مبنای نظر کارشناسی افراد خبره در این زمینه مشخص گردید و در نهایت با ترکیب آن ها وزن نهایی هر معیار تعیین شده است.

همان طور که از جدول شماره (6) استنباط می گردد، حداکثر تعداد 4 عامل از 26 شاخص فوق استخراج گردید که همگی دارای مقادیر ویژه بالای 1 بوده و جمعا 91/18 درصد از واریانس را تبیین می کنند. این درصد در تحلیل عاملی قابل قبول بوده و به واسطه آن می توان نسبت به مناسب بودن متغیرهای انتخاب شده برای تحلیل عاملی نیز اطمینان حاصل کرد. مقادیر ویژه، اهمیت اکتشافی عامل ها را در ارتباط با متغیرها نشان می دهند و پایین بودن این مقدار برای یک عامل بدین معناست که عامل مذکور تأثیر بسار کمی در تبیین واریانس متغیرها داشته است و به همین دلیل نیز قابل اغماض بوده و از تحلیل کنار گذاشته می شوند. لذا در تحلیل نهایی عواملی که مقادیر ویژه 1 و بالاتر داشته باشند مورد استفاده قرار می گیرند. اولین عدد مهمترین عامل می باشد که با مقدار ویژه 17/77 به تنهایی 65/44 درصد از واریانس را تشکیل می دهد. مؤلفه های دوم تا چهارم به ترتیب مقادیر 12/33، 8/37 و 5/02 درصد از واریانس را تبیین و محاسبه می کنند. که چهارمین عامل با 5/02 درصد کمترین سهم را به خود اختصاص داده اند.

جدول شماره (6): عامل های استخراج شده، مقادیر ویژه و درصد تبیین واریانس آنها از مجموعه

شاخص ها

Extraction Sums of Squared	Initial Eigenvalues	Component
----------------------------	---------------------	-----------

Loadings						
Cumulative %	% of Variance	Total	Cumulative %	% of Variance	Total	
65.446	65.446	17.671	65.446	65.446	17.671	1
77.782	12.336	3.331	77.782	12.336	3.331	2
86.156	8.374	2.261	86.156	8.374	2.261	3
91.184	5.028	1.357	91.184	5.028	1.357	4

روش استخراج: تجزیه به مؤلفه های اصلی مأخذ: نگارندگان

پس از استخراج مؤلفه های اصلی، مرحله دوران عامل ها مطرح می باشد. که برای دوران عامل ها از چرخش واریمکس استفاده شده است. حاصل این چرخش، ماتریس عاملی دوران یافته است که وزنی را برای هر عامل در مقابل شاخص مربوطه مشخص نموده. این ضرایب بسیار اهمیت دارد و بدین صورت شاخص های بارگذاری در هر عامل که بالای 0/5 هستند یک عامل را شامل می شوند، لذا این تجمع به صورت ارتباط مثبت تجلی می یابد.

پس از تهیه ماتریس عاملی دوران یافته، لازم به نام گذاری عامل های استخراجی است، که با توجه به میزان همبستگی هر یک از شاخص های بارگذاری شده در عامل ها می توان عناوین مناسب را تعیین نمود. همان طور که در جدول ذیل موسوم به ماتریس تجزیه به مؤلفه های اصلی با استفاده از روش چرخش وریمکس که حاوی ضرایب شاخص های معرفی شده در عامل های استخراجی است، اهمیت و نقش هر یک از شاخص ها را در شکل گیری عامل ها نشان می دهد و به عبارت دیگر بیانگر بارگیری عامل ها از شاخص هاست که از روش تجزیه به مؤلفه های اصلی به دست آمده اند. با توجه به میزان همبستگی هریک از شاخصها، می توان اسامی یا عناوین مناسبی را برای هر یک از عامل ها انتخاب نمود که به بررسی ساختار عامل ها و نامگذاری آنها به شرح زیر خواهیم پرداخت.

عامل اول: مقدار ویژه این عامل 17/77 می باشد که به تنهایی 65/44 درصد از واریانس را در برمی گیرد و بیشترین تأثیر را در بین چهار عامل مؤثر دارد. عامل اول به عنوان مهمترین عامل است که با متغیر هایی همچون تنوع، سازگاری، مقیاس انسانی، خوانایی-یکپارچگی، ایمنی، زیبایی و سرزندگی و دسترسی دارای همبستگی مثبت و بالایی است. با توجه به شاخص های بارگذاری شده در این عامل، این عامل را می توان عامل «کالبدی» نامید. **عامل دوم:** در این عامل 9 شاخص بارگذاری شده است که مقدار ویژه ی این عامل 3/33 می باشد که 12/33 درصد از واریانس را در برمی گیرد. شاخص هایی که در عامل دوم بارگذاری شده اند عبارتند از: متناسب با نیاز شهروندان، عدالت، وضعیت اجتماعی-جمعیتی محله، هویت، مشارکت، احساس تعلق، امنیت، اوقات فراغت و کارایی که با توجه به ماهیت این شاخص ها می توان این عامل را عامل «اجتماعی» نامگذاری نمود. **عامل سوم:** مقدار ویژه این عامل 2/26 می باشد که 8/37 درصد از واریانس را در برمی گیرد. این عامل با میزان سرمایه گذاری، درآمد، اشتغال، هزینه و

بودجه فرهنگی دارای همبستگی می باشد و براین اساس این عامل را می توان عامل «اقتصادی» نامگذاری نمود. عامل چهارم: مقدار ویژه این عامل 1/35 می باشد که 5/02 درصد از واریانس را در برمی گیرد. همچنین میزان همبستگی آنها نیز کمتر می باشد. که متغیرهای این عامل کارایی انرژی، پاکیزگی، آسایش و راحتی، جذابیت های طبیعی مکان، شرایط محیطی و بهداشتی می باشد براین اساس چهارمین عامل را عامل «زیست محیطی» می نامیم.

جدول (7) شناسایی شاخص های مؤثر در کیفیت فضاهای فرهنگی - اجتماعی

با بهره گیری از روش تحلیل عاملی

رتبه	نام عامل	شاخص های مؤثر	ضریب همبستگی	مقدار ویژه	درصد واریانس	درصد تجمعی واریانس
عامل اول	کالبدی	تنوع	0/680	17/77	65/44	65/44
		سازگاری	0/926			
		مقیاس انسانی	0/010			
		خوانایی-یکپارچگی	0/780			
		ایمنی	0/966			
		زیبایی و سرزندگی	0/454			
		دسترسی	0/931			
عامل دوم	اجتماعی	متناسب با نیاز شهروندان	0/782	3/33	77/78	12/33
		عدالت	0/851			
		وضعیت اجتماعی - جمعیتی محله	0/681			
		هویت	0/961			
		مشارکت	0/889			
		احساس تعلق	0/811			
		امنیت	0/946			
		اوقات فراغت	0/912			
کارایی	0/780					
عامل سوم	اقتصادی	میزان سرمایه گذاری	0/941	2/26	86/15	8/37
		درآمد	0/789			
		اشتغال	0/813			
		هزینه	0/685			

			0/851	بودجه فرهنگی		
91/18	5/02	1/35	0/791	کارایی انرژی	زیست محیطی	۳ ۴ ۲
			0/615	پاکیزگی		
			0/751	آسایش و راحتی		
			0/712	جذابیت های طبیعی مکان		
			0/681	شرایط محیطی و بهداشتی		

مأخذ: تحلیل داده ها

6- نتیجه گیری و پیشنهادات

بررسی روش و نظریه های فضاهای فرهنگی به علاوه مؤلفه های روان شناختی نیازهای فرهنگی در سنین مختلف به علاوه نقش اساسی فضاهای معماری و شهری در فراهم آوردن زمینه های تحقق این پتانسیل ها حاکی از نقش اساسی محیط در شکل گیری شخصیت ادراکی افراد دارد. زمینه ای از امکانات تجربه و یادگیری اکتشافی که در اثر مشارکت و تعامل افراد در محیطی پویا و در تصمیم گیری و تجربه ادراک محیطی با کیفیت که نقش تعیین کننده و سازنده ای در حس تعلق به مکان و اندیشه شهروندی دارد. بر همین اساس خلق فضاهایی با مؤلفه های مورد نیاز جهت دستیابی به نیازهای فرهنگی گروه های سنی مختلف و رفع کاستی های فضایی مراکز فرهنگی موجود گامی اساسی به سوی معیارهای نهادینه جامعه ای پایدار است. در واقع تعاملات و فعالیت های مورد انتظار از این گونه فضاها به خصوص در تأمین فضاهایی مخصوص مشارکت و تعامل باعث تغییر الگوهای فرهنگی و ادراکی شهروندان می گردد که در راستای حرکت جامعه به سوی پایداری است.

پژوهش حاضر، به ارزیابی و تحلیل شاخص های کیفی در فضاهای فرهنگی-اجتماعی از تکنیک سلسله مراتبی و تحلیل عاملی پرداخته است. بدین منظور، تعداد 26 شاخص در بخش کیفیت فضاهای فرهنگی-اجتماعی گردآوری شد. سپس با روش تحلیل عاملی خلاصه شده و به 4 عامل تقلیل یافته است. نتیجه حاصل از تحلیل عاملی بیانگر این است که مجموع درصد واریانس که 4 عامل اول پوشش می دهند جمعاً 91/18 درصد می باشد، که درصد قابل قبول و بسیار بالایی به حساب می آید. آنچه مورد توجه است این است که عامل اول به تنهایی 65/44 درصد از مجموع واریانس را تبیین می کند که این امر نشانگر اهمیت و ارزش عامل اول نسبت به عامل های بعدی می باشد. و هر کدام از این عامل ها بر اساس اولویت نقش مهم و اساسی را در توسعه کیفیت فضاهای فرهنگی- اجتماعی دارند و توجه به این عوامل در برنامه ریزی جهت رسیدن به وضعیت بهینه فضاهای مزبور امری ضروری می باشد.

امروزه توجه و برنامه ریزی فضاهای فرهنگی شهر در راستای دستیابی به توسعه شهری با توجه به دارا بودن وجهه اجتماعی- فرهنگی و تقویت روح اجتماعی شده و شهرگرایی ضرورتی اساسی است. با توجه به دلایل مختلفی چون مهاجرت های جمعیتی، رشد لجام گسیخته کلان شهرها و تفوق شهرنشینی بر شهرسازی مطلوب، ازدحام فضاهای اندرونی شهرها، مسایل و مشکلات ناشی از فرسودگی و....، حرکت به سوی مدیریت شهری مطلوب را وادار به باز تولید، ساماندهی و نوسازی فضاهای فرهنگی می نماید. لذا در این زمینه پیشنهاداتی به شرح ذیل ارائه می گردد.

- توزیع فضاهای فرهنگی متناسب با پایگاه اجتماعی و اقتصادی هر منطقه
- طراحی فضاهای فرهنگی جهت ارتقاء برخوردهای اجتماعی
- طراحی عناصر و اجزای داخل مجموعه به نحوی که یک احساس تعلق، وحدت هویت و شناسایی و تشخیص بصری مجموعه و ایجاد فضاهایی با هویت و آشنا شرکت مؤثر داشته باشند.
- طراحی مجموعه و فضاهای فرهنگی با دارا بودن حداکثر تنوع، همنوایی و گوناگونی، زیبایی و تداوم بصری چشم اندازها.
- طراحی فضاهای امن و راحت برای گروه های مختلف سنی و جنسی و هم چنین فعالیت های فردی و اجتماعی.
- اولویت دادن به حرکت پیاده در مراکز خدماتی جهت تأمین حرکت آزاد عابران پیاده با ایمنی و آرامش کامل.

منابع

- 1- افروغ، عماد(1377)، فضا و نابرابری اجتماعی، ارائه الگویی برای جدایی گزینی فضایی و پیامدهای آن، پایان نامه دکتری جامعه شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- 2- ایزدی، ملیحه، محمدی، جمال، طاهری، زهرا، شیرخانی، حسنیه(1395)، واکاوی مطلوبیت فضاهای عمومی شهری از دیدگاه زنان مطالعه ی موردی: منطقه 4 شهراصفهان، جغرافیا و توسعه شماره 42 بهار.
- 3- ایروانی، محمود و خداپناهی، محمد کریم(1371)، روانشناسی احساس و ادراک، تهران، انتشارات سمت.
- 4- اکبری، زاهدی (1387)، کاربرد روش های رتبه بندی و تصمیم گیری چندشاخصه. سازمان شهرداری ها و دهیاری های کشور، تهران.
- 5- بنتلی، ای یین و همکاران (1385)، محیط های پاسخده، مترجم: مصطفی بهزادفر، چاپ دوم، تهران، مرکز انتشارات دانشگاه علم و صنعت.

- 6- باکویی ، فاطمه (1386)، فرآیند تحلیل سلسله مراتبی AHP ، کتاب ماه علوم و فنون ، شماره 99 ، صص 88 - 27.
- 7- ترکاشوند، عباس، مجیدی، سحر(1322)، بازشناسی برخی نشانه ها در فضاهای شهری، نشریه علمی- پژوهشی انجمن علمی معماری و شهرسازی ایران شماره 6 پاییز و زمستان، صص 15-5.
- 8- خستو، مریم و سعیدی رضوانی، دکتر نوید(1399)، عوامل موثر بر سرزندگی فضاهای شهری نشریه هویت شهر، سال چهارم، شماره 6، بهار و تابستان 1399.
- 9- جعفری، م. زهتابیان، ش(1385)، خلق و توسعه فضاهای شهری؛ اولین همایش بین المللی شهربرتر، طرح برتر، همدان، 11-12 مرداد.
- 10- دواس، دی. ای. (1381). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه: هوشنگ نائبی، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- 11- زبردست، اسفندیار (1381)، کاربرد فرایند تحلیل سلسله مراتبی در برنامه ریزی شهری و منطقه ای ، نشریه هنرهای زیبا، شماره 10، دانشگاه تهران، تهران.
- 12- سرخ کمال، کبری، مریم بیرانوند زاده، سید محمود زنجیرچی (1390) سطح بندی شهرستانهای استان خراسان رضوی از لحاظ مولفه های توسعه یافتگی فرهنگی، مجله علمی تخصصی برنامه ریزی فضایی، سال اول، شماره دوم، پاییز.
- 13- شیعه، اسماعیل(1380)، مقدمه ای بر مبانی برنامه ریزی شهری، انتشارات دانشگاه علم صنعت.
- 14- سرمد، زهره و بازرگان، عباس و حجازی، الهه. (1380). روش های تحقیق در علوم رفتاری، تهران: انتشارات آگاه .
- 15- سرور ، رحیم (1383)، استفاده از AHP در مکان یابی جغرافیایی (مطالعه موردی : مکان یابی جهت توسعه آتی شهرمیانندوآب) ، پژوهش های جغرافیایی ، شماره 49.
- 16- صابری، حمید، ضرابی، اصغر و محمدی جمال(1390)، اولویت بندی استراتژی های توسعه شهر (CDS) با استفاده از فرایند تحلیل سلسله مراتبی مطالعه موردی :کلان شهر اصفهان، فصلنامه علمی پژوهشی فضای جغرافیایی، سال دوازدهم، پاییز، دانشگاه آزاد اسلامی واحد، اهر صص 59-75.
- 17- فکوهی، ناصر(1383)، انسانشناسی شهری. تهران: نشر نی.
- 18- فکوهی، ناصر، یاسمین اوحدی(1391)، هویت و فضای عمومی در شهر(مطالعه دختران دانشجو در شهرستان رفسنجان)، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره ششم، شماره 1، صص 78-58.

- 19- قدسی پور، (1379)، فرایند تحلیل سلسله مراتبی (AHP)، مرکز نشر دانشگاه صنعتی امیرکبیر، تهران.
- 20- قاسمی، م (1383)، میدان شهری، حیاطی شهری برای حیات شهری ماهنامه شهرداریها، 21: 77-27.
- 21- گروتو، یورگ (1386)، زیباشناسی در معماری. ترجمه جهانشاه پاکزاد و عبدالرضا همایون. مرکز چاپ و انتشارات تهران: دانشگاه شهیدبهبشتی.
- 22- کلانتری، خلیل (1399)، پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی- اقتصادی با استفاده از نرم افزار spss، انتشارات فرهنگ صبا، تهران.
- 23- موری تامس، رابرت (1385)، نظریه های نوین انسان، ترجمه حامد برآبادی و حمیدرضا آقا محمدیان، چاپ اول، تهران، نشر نی.
- 24- Al.Subhi Al-Harbi, Kamal M (2001), Application of the AHP in project management, International Journal of Project Management, volume 19.
- 25- Bonaiuto, M, (2003), *Landscape and urban planning*, www.Elsevier.com
- 26- Mepal, Bimal, Yadav Om P, Murat, Alper (2010), A fuzzy – AHP approach to prioritization of CS attributes in target planning for automotive product development, Expert System With Applications.
- 27- Habermas, Jurgen (1991) *The Structural Transformation of the Public Sphere: An Inquiry into a Category of Bourgeois Society*, translated by Thomas Burger, Cambridge, Massachusetts: The MIT Press.
- 28- Perkumien, Dalia (2006), Importance of Culture Center for Leisure organization in the community, ABI/ Inform Global, pages 117-130.
- 29- Nekooee zahra, Mehrdad Karami, Iman Fakhari (2011) Assessment and Prioritization Process (AHP), (A Case Study of Birjand, Iran), Journal of Applied Business and Economics, vol : 12 (4), pp : 122-34.
- 30- Landry, Charles, (2000). "Urban Vitality: A New Source of Urban Competitiveness", Prince Claus Fund Journal, ARCHIS issue 'Urban Vitality / Urban Heroes'.
- 31- Lefebvre, Henri (1993) *The Production of Space*, translated by Donald Nicholson Smith, Oxford: Oxford University Press.
- 32- Mardia K.R, J.T. Kent and J.M. Bibby (1982), *Multivariate Analysis*, Published by Academic Press INC, United State.

- 33- Merrifield, Andy (2006) Henri Lefebvre: A Critical Introduction, London and New York: Routledge Taylor & Francis Group.
- 34- Sipahi Seyhan and Mehpare Timor (2010), The analytic hierarchy process and analytic network process : an overview of applications Management Decision ,Vol : 48 , No : 5 ,pp : 775 – 808.
- 35- Solnes ,Julius (2003), Environmental quality indexing of large industrial development alternatives using AHP ,Environmental Impact Assessment Review ,volume 23 ,Prevention and Management ,vol : 8,Number 1 ,MCB University.
- 36- Yang , j & Ping shi (2002), Applying Analytic Hierarchy Process In Firms Overall Performance Evaluation : Case Study In China ,International Journal OF Business 7 (1),pp:29-46.
- 37- Zhijun tong ,Zhang Jiquan E Lin Xingpeng (2009), GIS-based risk assessment of grassland fire disaster in western in Jilin province ,China , Stoch Environ Res Risk Assess ,vol : 23 ,pp : 463 – 471.

